

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه	پیاده‌سازی

## امام حسین علیه السلام مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ

کلمات کلیدی: مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام، سیئات، حسنات، قیامت، عادت‌های خوب، مشیّت، گناه ظاهری، طینت پاک، نعمت محبّت اهل بیت علیهم السلام، ملائکه، بهشت و جهنّم، حقیقت سلام، ابدال.

❁ شخصی بود که چندان مقید به احکام شرعی نبود؛ ولی هر وقت در مسیرش به بیرق و پرچم مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام برمی‌خورد، به حضرت سلام می‌داد.<sup>۱</sup>

شخص مقیدی نبود، اهل طاعت و عبادات و مراعات تکالیف شرعی و حلال و حرام نبود؛ ولی این عادت را داشت که وقتی از کوچه و خیابان رد می‌شد و پرچم عزاداری را می‌دید، سلامی به امام- حسین علیه السلام می‌داد و رد می‌شد. آن شخص از دنیا رفت و در قیامت پرونده‌ی اعمالش را رسیدگی کردند و دیدند جهنمی تمام‌عیار است؛ یعنی کم نگذاشته بود! همه‌ی گناهان را ماشاءالله از فعل حرام و ترک واجب جمع کرده بود. دیدند جهنمی تمام‌عیار است! انسانی با این همه معصیت دیگر جای هیچ حرفی باقی نمی‌ماند؛ لذا حکم صادر شد که او را به جهنّم ببرند. ملائکه پرونده‌ی او را گرفتند و او را به سمت جهنّم بردند.

۱. مهدی‌طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۰۰.

می‌دانید که دو تا مَلک هستند؛ یکی سائق است و یکی شهید. یکی پرونده‌ی اعمال فرد دستش است؛ این شهید است. دیگری تازیانه به دست دارد و از پشت، طرف را به سمت دوزخ می‌راند؛ این سائق است. **سائق و شهید**<sup>۲</sup> که قرآن می‌فرماید، [همین دو فرشته هستند.] ملائکه پرونده‌ی او را گرفتند و او را به سمت جهنم بردند. در بین راه آن شخص بیرق امام حسین علیه السلام را دید. همین‌طور که او را به سمت جهنم می‌بردند، از دور بیرقی را دید که پای آن بیرق آقای ایستاده است. او در دنیا عادت داشت [به بیرق امام حسین علیه السلام سلام دهد.]

عادت‌های خوب، خوب است؛ گرچه بالاتر از عادت هم داریم؛ اما عادت خوب، خوب است. برای اوایل راه انسان عادت کند به نماز خواندن؛ به سحرخیزی؛ عادت کند به راستگویی؛ به احسان به خلق؛ به گذشت و بخشش عادت کند؛ اینها خوب است؛ اما بالاتر از عادت هم داریم. او هم عادت داشت پرچم را که می‌دید بی‌اختیار سلام می‌داد. اینجا هم پرچم و بیرق امام حسین علیه السلام را که از دور دید، محکم ایستاد و به ملائکه‌ای که او را می‌بردند گفت: من در دنیا هیچ وقت بدون سلام کردن از این بیرق‌ها رد نشدم و الان هم باید بروم یک سلام بکنم؛ بعد با شما به جهنم می‌آیم. ملائکه گفتند: نمی‌شود! کار تو تمام است و باید به جهنم بروی. گفتند: این حرف‌ها یعنی چه؟! تو جهنمی هستی! حکمت هم صادر شده! ما هم داریم می‌رویم تو را به جهنم تحویل دهیم؛ سلام بکنم یعنی چه؟! بین اینها بگو مگو شد. او می‌گفت نخیر من باید بروم، اینها هم می‌گفتند نخیر نمی‌شود. تا این گفتگو بین آنها در گرفت، حضرت اباعبدالله علیه السلام که پای آن بیرق ایستاده بودند، یک نگاه به آنها کردند و با همین نگاه آن شخص و ملائکه‌ی همراهش خود را در حضور حضرت مشاهده کردند؛ چون می‌دانید ولیّ خدا نیاز ندارد که بگوید یا دستور بدهد یا مأمور بفرستد. این

---

۲. سوره‌ی ق، آیه‌ی ۲۱.

حیوان است که فاعل بالآلة و الحركة است. حیوان ابزار و آلت می‌خواهد؛ عضو می‌خواهد و باید این عضو و ابزار را به کار اندازد تا بتواند کاری بکند. حیوان فاعل بالآلة و الحركة است؛ اما انسان چه؟ انسان بالمعنی الانسان، فاعل بالقصد است. همان‌طور که خدا فاعل بالقصد است. **إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**<sup>۳</sup> کار خدا این‌گونه است که وقتی اراده کند چیزی باشد، آن چیز واقع می‌شود. انسان کامل هم که مظهر تام اسماء و صفات الهی است، مثل خدا فاعل بالقصد است؛ لذا لازم نیست بگوید یا یک نفر را بفرستد و بگوید به آنها بگویید بیایند. اینها نیست؛ همان نگاه حضرت مشیت حضرت را عملی کرد. یکبارہ این ملائکه و آن فرد جهنمی خودشان را در محضر اباعبدالله علیه السلام دیدند.

حضرت فرمودند: گفتگوی شما بر سر چه بود؟ ملائکه پرونده‌ی اعمال آن شخص را تقدیم حضرت کردند؛ تا حضرت ببینند که این انسان جهنمی است و بی‌خود مقاومت می‌کند؛ دنبال بهانه می‌گردد. حضرت نگاهی به آن کردند؛ دیدند پرونده‌ی اعمالش پر از گناه است؛ پر از ترک طاعت و فعل معصیت؛ پر از آلودگی. حضرت نگاهی به آن کردند و به آن شخص فرمودند: این چیست؟! یعنی کسی دوست ما باشد و این کارنامه‌ی اعمالش باشد؟! این چیست آخر؟! حیف نبود؟ تویی که مرا دوست داشتی، حیف نبود؟! (یعنی چیز خوبی نیست). نفرمودند: چیز خوبی نیست؛ ولی فرمودند: آخر این چیست؟!

ائمّه علیهم السلام فرمودند: **كُونُوا زِينًا لَنَا وَ لَا تَكُونُوا شَيْئًا عَلَيْنَا**<sup>۴</sup> مایه‌ی افتخار و زینت ما باشید؛ مایه‌ی سرشکستگی ما نباشید.

---

۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۸۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۷؛ طبری‌آملی، بشارة‌المصطفی صلی الله علیه و آله، ص ۱۶۹؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱، ص ۷۶ و مجلسی،

مرآة‌العقول، ج ۸، ص ۶۱.

اباعبدالله علیه السلام همین را به او فرمودند و پرونده را به ملائکه پس دادند. ملائکه هم گمان کردند که حضرت دیدند و تأیید کردند که این شخص باید جهنم برود و جهنمی است. پرونده را گرفتند که بروند و مأموریت خود را انجام دهند. ملائکه هم راه افتادند تا آن شخص را به جهنم ببرند؛ اما در بین راه متوجه شدند که به سمت بهشت می‌روند. خیلی تعجب کردند. خود ملائکه متحیر ماندند که ما مأموریت داشتیم او را به جهنم ببریم! این هم پرونده‌اش؛ حکمش هم صادر شده!

می‌دانید که ملائکه تخلف ندارند؛ لا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ<sup>۵</sup> وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ<sup>۶</sup> در برابر امر الهی معصیت و سرکشی ندارند و آنچه خدا امر می‌کند، اجرا می‌کنند. امر شده بود این فرد را به جهنم ببرند؛ لذا خیلی تعجب کردند؛ پس چرا ما داریم راه بهشت را می‌رویم؟ به پرونده‌ی آن شخص نگاه کردند؛ دوباره پرونده را باز کردند و دیدند:

بخشودگی اهل گنه در صف محشر وابسته به یک چرخش چشمان حسین است

دیدند حضرت با همان نگاهشان زیر نامه‌ی اعمال آن شخص نوشته‌اند: **یا مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ**<sup>۷</sup> ای کسی که بدی‌ها را به خوبی تبدیل می‌کنی. امام حسین علیه السلام مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ الحَسَنَاتِ است. سی‌وپنج نفر از لشکر عمر سعد تا شب عاشورا همه‌ی سخنرانی‌های امام حسین علیه السلام را شنیده بودند؛ همه‌ی ناجوانمردی‌های عمر سعد و لشکرش را دیده بودند و محکم آن طرف ایستاده بودند. خدایا امام حسین علیه السلام با این سی‌وپنج نفر چه کرد؟! اینها فردا در رکاب اباعبدالله علیه السلام شهید شدند و امروز امام زمان علیه السلام جلوی مرقد اینها می‌ایستند و عرض ادب می‌کنند! امام حسین علیه السلام مُبَدَّلَ

۵. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶.

۶. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۲۷.

۷. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۱، ص ۸۷؛ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۷۰ و جمال‌الاسبوع، ص ۴۶۲.

السَّيِّئَاتِ الْحَسَنَاتِ نیست؟! حَرِّبْ یزیدریاحی که در برابر امام حسین علیه السلام قد برافراشت، امام حسین علیه السلام با او چه کرد؟! اگر انصاف بدهیم او عامل کشته شدن حضرت بود! او آمد سر راه حضرت را بست و نگذاشت حضرت به کوفه بروند یا برگردند یا راه سومی انتخاب کنند؛ به دستور ابن مرجانه که گفته بود: **جَمْعُ بِالْحُسَيْنِ**<sup>۸</sup> حسین را همان جا که هست میخکوب کن! امام حسین علیه السلام با حَرِّبْ یزیدریاحی چه کرد؟! سرلشکر سپاه عمرسعد! سرلشکر سپاه ابن مرجانه و یزیدبن معاویه چگونه روز عاشورا آن طور آمد...؟ امام حسین علیه السلام چه کرد؟ کدام بحث علمی را کرد؟ چه کرد؟ جز یک نگاه؟! زهیربن قین بجلی که عثمانی مذهب بود، زیر پرچم عثمان سینه زده بود، با امیرالمؤمنین علیه السلام با امام مجتبی علیه السلام مخالفت و مقابله کرده بود، ده سال امامت امام حسین علیه السلام را هم باز زیر پرچم عثمان و خونخواهی عثمان با امام حسین علیه السلام مقابله کرده بود، خدایا امام حسین علیه السلام چه کار می کند که زهیری که فرار می کرد تا با حضرت روبه رو نشود، آن طور سردار سپاه اباعبدالله الحسین علیه السلام شد! امام حسین علیه السلام چه کار می کند؟ وهب نصرانی! جوان مسیحی که نه از اسلام خبر دارد، نه از ایمان، نه از ولایت، از هیچی! خدایا امام حسین علیه السلام با یک نگاه چه می کند؟! اینها مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ الْحَسَنَاتِ نیست؟

این نکته را هم بگویم که معصیت های ظاهری افراد، زیاد سبب یأس شما نشود؛ خصوصاً امروز که متأسفانه آلودگی به گناه در جامعه خیلی شایع و بارز و علنی شده، گاهی بعضی ها مأیوس می شوند. بعضی ها می گویند دیگر همه چیز از دست رفت؛ اما امام حسین علیه السلام هست! مأیوس نشوید! برای همه ی اهل معصیت، برای همه ی گناهکاران، امام حسین علیه السلام هست! دیگر چطور نشان بدهم؟ در عاشوراها تهران را نمی بینید؟ مسیحی ها هیأت دارند! یهودی ها هیأت دارند! سینه زنی می کنن؛ نذری می دهند. جوان هایی که خیلی اهل تقیّدات مذهبی نیستند و بعضاً هم مبتلا به یکسری آلودگی ها هستند، می-

---

۸. موسوعة الامام الحسين علیه السلام، ج ۱۵، ص ۷۵۷؛ ابن نماحلی، مثير الاحزان، ص ۴۸ و بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۸۵ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۹۶.

بینید چطور در دسته‌ها می‌آیند و سینه می‌زنند؛ اینها را نمی‌بینید؟ این همان سلام دادن به پرچم نیست؟ امام حسین علیه السلام اینها را رها می‌کند؟ معصیت در لایه‌ی رویین دوست اهل بیت علیهم السلام است. اصل وجود و مایه‌ی اصلی هستی دوست اهل بیت علیهم السلام که آلودگی ندارد. **إِنَّ شَيْعَتَنَا مِنَّا، خُلِفُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا؛**<sup>۹</sup> طینت و فطرتشان پاک است. نجاست روی لایه‌های رویین وجودشان را گرفته است؛ لذا معصیت هم که می‌کند؛ در درون سرشکستگی دارد. ندیده‌اید یک گوشه‌ای پیدا می‌کنند، جایی که کسی خبر نشود، گناهی می‌کنند. این نشان می‌دهد که از گناهی که مرتکب می‌شود شرمندگی دارد. ممکن است زورش به غریزه‌اش نرسد، زورش به شیطان نرسد و مرتکب گناه و معصیتی شود، آلودگی نشان دهد، اما لایه‌های عمیق‌تر وجود دوست اهل بیت علیهم السلام پاک پاک است. محال است دوست اهل بیت علیهم السلام معصیت را دوست داشته باشد؛ ولو مرتکب می‌شود؛ اما محال است دوست داشته باشد و سرافراز باشد از اینکه من دارم معصیت خدا را می‌کنم. محال است! و چون این‌طور است و آلودگی در اصل وجودش نیست، قابل جدا شدن از آن است. معصیت بدنش را آلوده کرده و این بدن را می‌شود پاک کرد. سیئات همین بدن است. **مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ بَدَنٌ** است که به معصیت آلوده شده؛ و الا روح و دل دوست اهل بیت علیهم السلام پاک پاک است و آن نگاه **مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ الْحَسَنَاتِ** امام حسین علیه السلام همین ظاهر وجود را هم عوض می‌کند؛ بدن را بدن دیگری می‌کند. **يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ؛**<sup>۱۰</sup> همین ارض بدن را، ارض دیگری می‌کند. همین بدن معصیت‌کار را به بدن پاک و نورانی تبدیل می‌کند. همین را بُراقی می‌کند که او سوارش می‌شود و به معراج می‌رود. یک نگاه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام همه‌ی وجود انسان را عوض می‌کند؛ مبدلش می‌کند. وقتی مبدل شد چه می‌شود؟ از ابدال می‌شود! ابدال یعنی تبدیل‌شده‌ها؛ یعنی کسانی که اهل بیت علیهم السلام با نگاه خودشان او را تبدیل کردند؛ اینها ابدالند. ابدال خیلی بزرگند.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۳ و حافظ‌برسی، مشارق‌انوارالیقین، ص ۳۱۷، با اندکی تفاوت در عبارت.

۱۰. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۸.

پس حضرت با همان نگاهشان زیر نامه‌ی اعمال آن شخص نوشتند: **يا مُبَدَّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ!** ملائکه وقتی این را دیدند آن شخص را به بهشت بردند و تحویل دادند. خیلی قدر نعمت محبت اهل بیت علیهم‌السلام را بدانید. قدر این چشم‌هایی که این‌طور در محبت و شوق نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و در مصائب اهل بیت علیهم‌السلام اشک جاری می‌کند. خدا می‌داند اینها چقدر بزرگ است؛ چقدر گران قیمت است؛ چه عطیه‌ی بزرگ الهی است. **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ.**<sup>۱۱</sup> خدا می‌داند برای هر قطره اشکی که در مصائب اهل بیت علیهم‌السلام از چشم جاری می‌شود، اگر انسان سر به سجده بگذارد و تا قیامت سر از سجده‌ی شکر بر ندارد، حق یکی از این قطره‌ها ادا نمی‌شود. نمی‌دانید چه می‌کند! امروز نمی‌بینید؛ فردا که پرده‌ها کنار رفت، خواهید دید. خواهید دید که چه نعمت بزرگی است. **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ!** و الا اگر نگاه نکرده بودند، شما اینجا چه می‌کردید؟ به من و شما نگاه نکردند؟! به قول عوام من و شما چه تخم دو زرده‌ای کرده بودیم؟ چه کار کرده بودیم؟ مجلس اهل بیت علیهم‌السلام کمتر از بهشت است؟! خدا شاهد است اگر کسی مجلس اهل بیت علیهم‌السلام را بهشت بگوید، آن را کوچک کرده است. مجلس اهل بیت علیهم‌السلام خالق بهشت است؛ خالق بهشت! چه چیزی ما را اینجا آورد؟ با کدام طاعت؟ کدام عبادت؟ چه کار کردیم؟ جز یک نگاه امام حسین علیه‌السلام بود که ما را این‌طور کشاند و اینجا نشانده!

ببینیم و نقد تحویل بگیریم؛ صبر نکنیم تا قیامت شود، حسابمان را برسند و بعد بیرق امام حسین علیه‌السلام را ببینیم و سلام بدهیم. همین‌جا که رد می‌شوید، بیرق امام حسین علیه‌السلام را می‌بینید، دلتان تکان نمی‌خورد؟ دلتان که تکان خورد، حقیقت سلام همان است. به زبان هم اگر نگفتی **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ**، دلت سلام کرد. اینکه من بخواهم دعا کنم و بگویم ان شاء الله یکی از آن نگاه‌ها نصیب ما شود، کفران‌پیشگی است؛ مگر نشده؟ مگر این نگاه را نکردند؟ امیدوارم این نعمتی را که

---

۱۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۴.

ابعدالله‌الحسین علیه‌السلام نصیب ما کرده بفهمیم؛ قدر بدانیم و شاکر شویم. **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ:**<sup>۱۲</sup> شکر که کردید، برکاتش بیشتر می‌شود؛ آثارش فراوان‌تر می‌شود.

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ**<sup>۱۳</sup>

---

۱۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷.

۱۳. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.